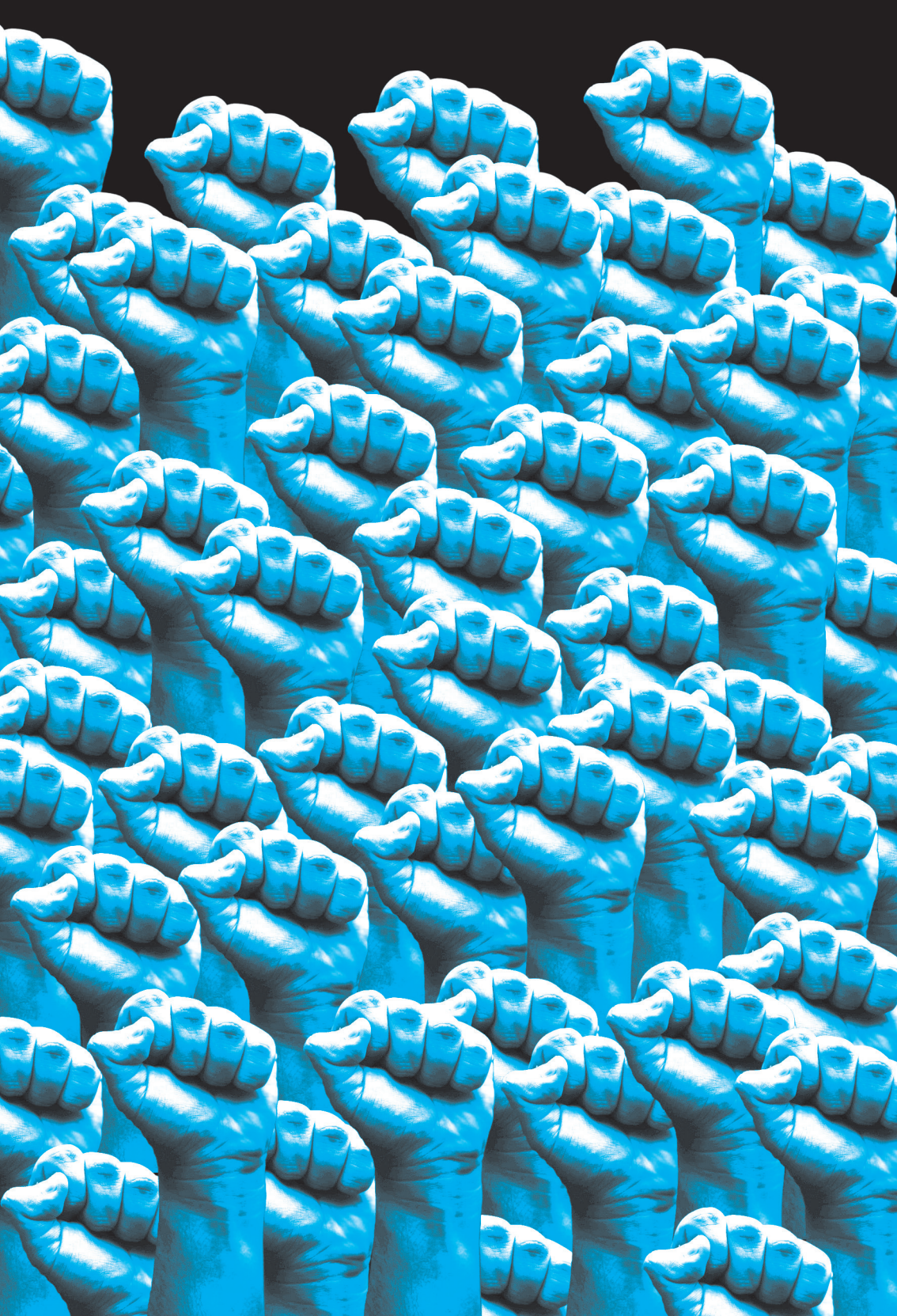

فَاستَقِم كَما أُمِرتَ وَمَن تابَ مَعَكَ
وَلا تَطغَوا إِنَّهُ بِما تَعمَلونَ بَصيرٌ

سوره مبارکه هود، آیه ۱۱۲

عنوان و نام پدیدآور: طرح کلی اندیشه مقاومت(پیرامون وضعیت انقلاب اسلامی)/تهیه شده در خانه طلاب جوان.
مشخصات نشر: قم: سفیر صادق، ۱۳۹۹.
شابک: ۱-۹۴۷۳۶۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- نقد و تفسیر
موضوع: Islamic Revolution -- History -- Iran, ۱۹۷۹ -- Criticism and interpretation
موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷
شناسه افزوده: خانه طلاب جوان قم
رده بندی کنگره: DSR۱۵۵۱
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳
شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۸۲۳۱۴

شناسنامه

طرح کلی اندیشه مقاومت

نویسنده: علی مهدیان
مدیریت هنری: واحد هنر و رسانه خانه طلاب جوان
ناشر: سفیر صادق
چاپ: یکم ۱۳۹۹
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان
شابک: ۱-۹۴۷۳۶۰-۶۰۰-۹۷۸

طرح کلی اندیشه مقاومت

موقعیت انقلاب اسلامی در گام دوم

علی مهدیان

خانه خرد

این کتاب به برادر عزیزمان «**هنرمند جهادگر**» **سیدمحمد ساجدی** تقدیم می‌گردد؛
نمادی از نسل برخاسته که برای امروز پرورش یافته بود،

امروز که گاه «جنگ روایت‌ها» است و جبهه به وجود سرتاپا جهادی او نیازمند. درست ایامی که به مباحثه این کتاب برآمدیم، او در طریق اربعین ارباب با خانواده‌اش عروج کرد، و ما را در به دوش کشیدن عَلَم روایت حق، به‌ظاهر تنها گذاشت؛ باشد که شفاعتش نزد ارباب دستگیرمان باشد.

گروه جهادی محبین الائمه

فهرست مطالب

پیش‌گفتار..... ۱۳

طرح کلی کتاب ۱۸

منظومه بحث ۲۸

فصل اول: جامع نگری..... ۳۳

۱-ضرورت تعیین رویکردهای تحلیلی ۳۵

۲-«سه رویکرد مادر» در تحلیل امور اجتماعی ۳۸

۲-۱- رویکرد توحیدی و آثار آن ۳۹

آثار رویکرد توحیدی..... ۴۱

۲-۲-رویکرد ولایی و آثار آن ۴۳

آثار رویکرد ولایی ۴۶

۲-۳- رویکرد نبوی و آثار آن ۴۸

آثار رویکرد نبوی..... ۵۰

۳-ساختار رویکردهای انسان موحد ۵۵

۳-۱-نقش رویکرد ولایی در تصویر شریعت ۵۸

۳-۲-نقش شریعت در سلوک ۶۰

۴-انتخاب موضوعات کلیدی براساس سه رویکرد مادر ۶۳

٤-١-متن و مرکز عالم ٦٣
٤-٢-ظاهر و باطن ٦٦
٤-٣- جبهه حق و باطل ٦٧
٤-٤-قیام و حاکمیت ٦٩

فصل دوم:عصر روح الله ٧١

١-سیر تاریخی بشریت ٧٥
٢-زمانه ٧٨
٣-سبک تعامل با زمانه ٨٢
٤-عوامل مؤثر در تغییر زمانه ٨٥
٥-دوران قیام لله و حاکمیت الله ٨٩
٦-امام خمینی و مردم ایران؛ عوامل تغییر عصر جدید ٩٨

فصل سوم:انقلاب اسلامی ١٠٥

١-قیام لله ١٠٨
٢-مقاومت ١٣٠
٣-اسلام ناب ١٤٦
٤-حکومت الله ١٥٧

فصل چهارم:نظام اسلامی ١٧١

١-جامعه توحیدی و ولایی ١٧٥
٢-حقوق اساسی جامعه توحیدی ١٨٣
٣-طرح کلی ساختار نظام اسلامی ٢٠٢
٤-تفاوت نظام مردم سالاری و دموکراسی ٢١٣
٥-آثار و نایج نظام اسلامی ٢١٩
٥-١- سلوک ٢١٩
٥-٢- قدرت ٢٢٤

فصل پنجم:دولت سازی و جامعه سازی ٢٢٧

١-حرکت جامعه به مثابه یک هویت یکپارچه ٢٣٠

توسعه امامت ۲۵۰
۲-ویژگی های دولت اسلامی و جامعه اسلامی ۲۵۷
۳-نسبت نظام حقوقی ونظام اجتماعی ۲۶۲

فصل ششم:معجزه دوم..... ۲۶۹

اصول و قواعد تحلیل رفتار یک جامعه ۲۷۳
۱-استقامت و مقاومت ۲۷۸
۲-۱-حفظ انقلاب ۲۷۸
وجود ویژگی‌های حفظ قیام در جان امت بعد از چهل سال ۲۷۹
۲-۲-حفظ نظام ۲۸۶
۲-پیشرفت و تعالی ۲۹۱
۲-۱-رشد نخبگان..... ۲۹۱
۲-۲-۳-رشد دانش..... ۲۹۳
نقطه عطف در رشد علوم دانشگاهی..... ۲۹۵
نقطه عطف در رشد دانش فقه..... ۲۹۶
نقطه عطف در رشد دانش حکمت و معارف ۳۰۱
میزان توسعه و رشد کلی مقوله دانش در جامعه ۳۰۵
چالش اصلی ایران در حوزه دانشی ۳۰۷
۳-۳-تعالی جامعه..... ۳۰۸

فصل هفتم:دوران بروز مقاومت..... ۳۱۳

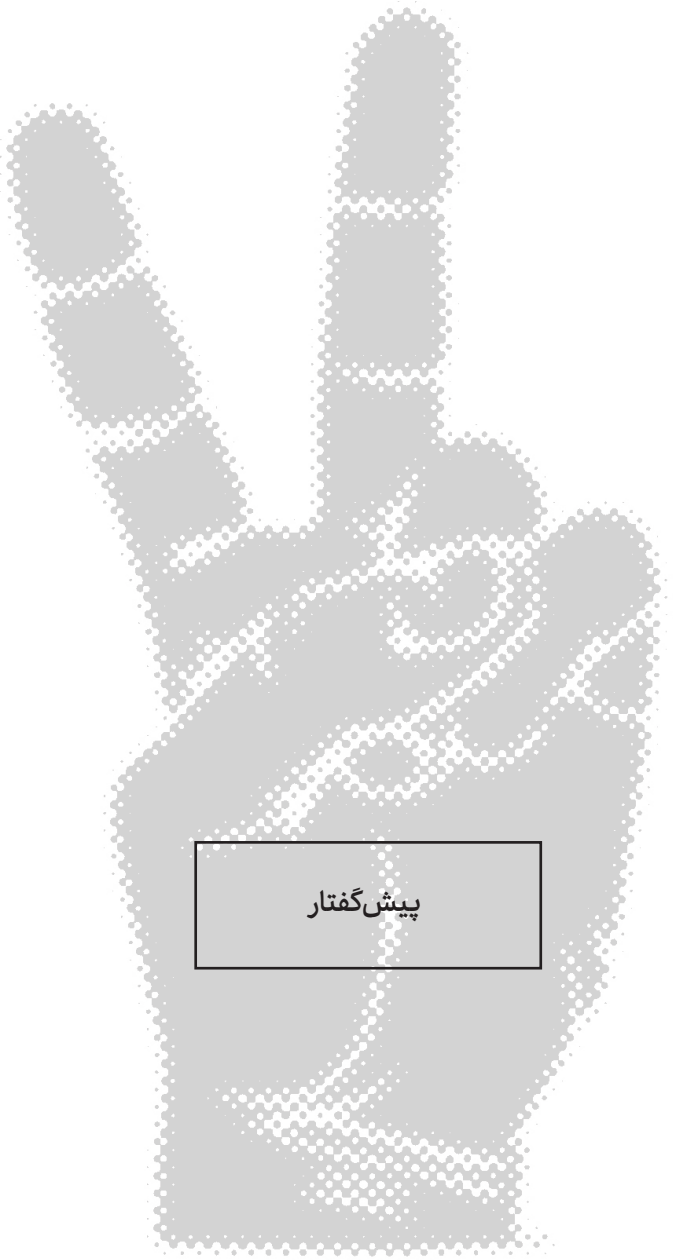

پیش‌گفتار

پیش گفتار

این کتاب محصول گفتگوهای تحلیلی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۹۸ پیرامون وضعیت انقلاب اسلامی است. تلاش شده موقف امروز انقلاب بر اساس چارچوب و نظام اندیشه دینی مشاهده شود. داشته‌ها و نداشته های امروز تبیین گردد و درنهایت به یک توصیه راهبردی ختم شود.

این رویکرد تقریباً در فضای جامعه دینی ما کم‌رمق است. کسانی که در فضای اندیشه‌ی دینی تنفس می‌کنند کمتر به این نکته توجه دارند که امتداد و انسجام اندیشه‌های دینی در زمان و مکان حاضر را برای جبهه حق نشان دهند. مباحثی کلی و فارغ از دوران مطرح می‌شود که البته در جای خود ارزشمند است، اما برای تنزیل آنها باید یک تلاش علمی دیگر را رقم زد.

برخی نیز که دغدغه واقعیات روز و درگیری‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی را دارند توان تحلیل صحیح صحنه و قدرت تأمل ندارند.

کسانی هم که قدرت تأمل از منظری عمیق به شرایط و وقایع را دارند از منظر اسلام ناب به صحنه نگاه نمی‌کنند، بلکه عمدتاً براساس نگرش‌ها و فلسفه‌های دنیای مدرن امور را تحلیل می‌کنند و توصیه می‌نمایند.

اما به نظر می‌رسد اندیشمندان انقلاب اسلامی و خصوصاً رهبران انقلاب زاویه نگاه دیگری را برای تحلیل و تبیین حقایق واقعی توصیه می‌کنند. نگرشی که در آن تلاش می‌شود ذهنی مسلح به داشته‌های دینی و توحیدی و پرورده شده در بستر علوم الهیاتی به صحنه نگاه کند و به‌این‌ترتیب صحنه را درست دریابد. زاویه نگاهی که برآمده از مکتب توحیدی ناب یا همان اسلام ناب است.

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین رسالت‌های حوزویان انقلابی، همین ترسیم خط اسلام ناب و بروزات آن در میان نخبگان اجتماعی و مردم است. چنان‌که در دهه پنجاه مرحوم شهید مطهری رحمه‌الله در تقابل با جریان شریعتی و بازرگان و مجاهدین خلق و امثالهم همین رویکرد را داشت. او در عین همراهی با بسیاری از کسانی که دغدغه انقلاب اسلامی را داشتند، به جد کمربسته ی تبیین مبانی اسلام ناب بود. هنوز هم بعد از سال‌ها، کتاب‌های او بهترین درگاه شناخت اندیشه‌های حضرت امام است.

در دهه شصت نیز نقش شهید بهشتی رضوان‌الله در تقابل با جریان بنی‌صدر و لیبرال‌ها قابل چشم‌پوشی نیست. هم اندیشه او و هم حرکت و اقدام او چه در قالب حزب و تشکیلات و چه در کمک به نظام‌سازی اسلامی، فوق‌العاده بود. او با شهادت خود نیز به این جریان و این رجوع عمومی به خط امام مدد رساند. شهید بهشتی تمایز خط اسلام ناب و اسلام دیگر را در نامه‌ای که به حضرت امام نوشت به خوبی به دید عموم مردم رساند. حقیقتی که در انتهای دهه شصت جزو پربسامدترین تأکیدات حضرت امام بود.

دهه هفتاد را شاید بتوان دوران نقش‌آفرینی استاد مصباح یزدی در تقابل با جریان دوم خرداد دانست. او نیز که از روشنفکران حوزوی بود با جریان

مقابل خود درگیر شد و باید مدعی شد امروز تبیین و ترویج اندیشه «ولایت فقیه» را مرهون تلاش‌های مجدانه او هستیم. «طرح ولایت» او که برای پر کردن همین خلأ اندیشه‌ای در جوانان، سال‌هاست به‌صورت دوره‌های آموزشی و تربیتی اجرا می‌شود، محصول تلاش این عالم مجاهد است.

در طول این سال‌ها و به مدد تلاش همه این اساتید و بزرگان به‌مرور نقش امام و رهبری، از رهبری سیاسی به یک منبع و راهنمای اندیشه ورزی تغییر کرد. به‌مرور جوانان و اندیشمندان رجعت علمی جدی به اندیشه‌های امام و رهبری پیدا کردند. تبدیل امام و آقا از مرجعیت سیاسی به مرجعیت فکری در دهه هشتاد، هم به سبک مدیریت ایشان و هم به تلاش نخبگان مربوط می‌شود. همچنین در دهه هشتاد، شاید بتوان نقش طیف جدید و وسیعی از مبلغین و اندیشمندان جوان و خوش‌فکر حوزوی را جدی دید، مبلغینی که بیش از همه در تقابل با جریان‌های غیرانقلابی نقش بازی کردند. اینها تلاش کردند فاصله علمی و اندیشه‌ای رهبری با مردم را کم کنند.

از ابتدای دهه نود بیش از همه شاهد ایجاد جریان‌های خودجوش طلاب انقلابی ذیل اندیشه رهبری هستیم. نهال‌های نورسیده‌ای که مأموریت اصلی‌شان اخذ اندیشه از کانون اندیشه انقلاب اسلامی یعنی حضرت امام و رهبری و رساندن آن مانند زنبورهای عسل (به تعبیر رهبری) به مردم است.

به‌هرحال امروز نیز احتیاج به کتاب‌هایی داریم که با رویکردی عمیق و مبنایی، انقلاب اسلامی را بشناسد و بشناساند و زاویه نگاهی که رهبران انقلاب اسلامی به این پدیده داشته‌اند را معرفی کند. طرح نظام اندیشه‌ای که بتواند فهم منسجم و هماهنگی از انقلاب ارائه کند یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های امروز ما است.[1]

---

۱. «یك مسلك و یك فلسفه زندگی خواه ناخواه بر نوعی اعتقاد و بینش و ارزیابی درباره هستی

«نظام اندیشه» چارچوب دانشی است که با رویکرد کلان از جغرافیای اندیشه دینی اخذ شده است و نقاط کلیدی و حساس آن را مدنظر دارد. ویژگی اساسی این نظام، انسجام و امتداد کاربردی برای تغییرهای کلان اجتماعی است.[1]

ما نیاز به تلاش‌های طلبگی و عمیق و اندیشمندانه برای پرکردن این خلأ داریم تا صحنه با همه مؤلفه های ایمانی و قداست‌های توحیدی بازخوانی شود. سنت‌های الهی در آن دیده شود، و قدرت تبیین توصیه‌هایی که هم آرمان‌جویانه و هم واقع‌گرایانه باشد فراهم گردد.

با این حساب این کتاب تلاش کرده چنین رفت‌وآمدی را بین لایه‌های عمیق فکری و صحنه پیش روی انسان مسلمان داشته باشد؛ و بر اساس مکتب امام رحمه‌الله -آن‌چنان‌که فهم کرده- به این

و بر یک نوع تفسیر و تحلیل از جهان مبتنی است. نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. ... هدف هایی که یک مکتب عرضه می‌دارد و به تعقیب آنها دعوت می‌کند و راه و روش هایی که تعیین می‌کند و باید و نبایدهایی که انشا می‌کند و مسئولیت هایی که به وجود می‌آورد، همه به منزله نتایج لازم و ضروری جهان‌بینی‌ای است که عرضه داشته است...یک ایدئولوژی کارآمد، از طرفی باید بر نوعی جهان‌بینی تکیه داشته باشد که بتواند عقل را اقناع و اندیشه را تغذیه نماید و از طرف دیگر باید بتواند منطقاً از جهان‌بینی خودش هدف هایی استنتاج کند که کشش و جذبه داشته باشند. در این هنگام عشق و اقناع که دو عنصر اساسی ایمان‌اند، دست به‌دست یکدیگر داده جهان را می‌سازند». (شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۷۵).

۱. «این انقلاب، با این عظمت و ابعاد و آثار عملی، از لحاظ ارایه مبانی فکری خودش، یکی از ضعیف‌ترین و کم‌کارترین انقلاب ها و بلکه تحولات دنیاست؛ البته این کم‌کاری دلایلی دارد: بعضی از روشنفکران و متفکران اصلی را در اول کار از ما گرفتند و بعضی از آنها نیز مشغول کارهای گوناگون اجرایی شدند، اما اساس قضیه این است که ما تولید نکردیم. یازده سال از انقلاب می‌گذرد؛ خوب بود که صدها نویسنده اسلامی مبانی اسلام را بنویسند - چون انقلاب ما اسلامی است - و منتشر بکنند. می‌بایست تربیت می‌کردیم که نکردیم. این، یکی از کارهای حوزه است».
(مقام معظم رهبری، در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۶۸/۹/۷ - https://www.leader.ir/fa/speech/215)

مقوله بپردازد. مکتبی که بهترین مقرّر آن را از بین شاگردان امام، سیدعلی خامنه‌ای مدظله العالی می‌توان دانست.

طلاب و جوانان اندیشمندی که در این مباحثه حضور داشته‌اند عمدتاً کسانی هستند که حدود دو دهه در فراگیری علوم دینی و همین‌طور مسائل انقلاب اسلامی هم مباحثه بوده‌اند و در قالب یک تشکل خودجوش طلبگی به نام «**خانه طلاب جوان قم**» فعالیت می‌کنند و از سوی دیگر با کمک نیروهای اندیشه‌ورز انقلابی در قالب یک تشکل گفتمان‌ساز جهادی به نام «**محبین ائمه علیهم‌السلام**»، دوران رشد جهت‌دار و دغدغه‌مند خود را برای کمک به جریان انقلاب پشت سر گذاشته‌اند. از این دو دهه حدود چهار سال است که به‌صورت ویژه روی اندیشه‌های امامین انقلاب متمرکزند و خصوصاً بر کتاب‌های عرفانی، فلسفی و فقهی حضرت امام تمرکز داشته اند. طلابی که زیرنظر اساتید بزرگوار «سید یدالله یزدان پناه» و «علی امینی نژاد» و « محمدرضا فلاح شیروانی» در علوم فلسفی و عرفانی آموزش دیده‌اند و در فضای علوم نقلی و فقه اسلامی نیز با اساتید بزرگوار «علیرضا امینی» در فقه و «محمدرضا عابدینی» در تفسیر، حلقه مباحثاتی داشته‌اند.

این کتاب محصول یک کار گروهی است. خروجی انضمامی چند نظریه پرداز نیست. این‌طور هم نیست که یک نفر جمع بندی اطلاعات گردآوری شده توسط چند نفر را انجام داده باشد. بلکه محصول یک هویت علمی مشترک و جمعی است که تلاش کرده است اولین خروجی علمی مشترک خود را پیرامون دوران امروز انقلاب اسلامی ارائه کند.

امیدواریم این اثر بتواند گره ای از ذهن جبهه نیروهای انقلاب اسلامی باز کند و به فضای محتوایی این جریان مقدس -هرچند قلیل- رمقی ببخشد.

طرح کلی کتاب

از روز نخست که صلای قیام لله از حلقوم پاک آن روح خدایی بیرون آمد تا امروز ملت ایران از میان مشکلات و بلایا و نبرد با طاغوت‌های بی‌رحم دوران در صراط مستقیم حرکت کرده است.

برای انسان انقلابی، عبودیت مفهومی نیست که فقط در اندازه بعضی احکام فردی - مثل: نماز و روزه - متبلور شود. عبودیت مأموریت اجتماعی او را نیز سامان می‌دهد. آیات و روایات به‌روشنی، هدف پیامبران، امامان و انسان‌های کامل را تحقق مقاصد الهی می‌داند؛ مقاصدی چون پیاده شدن توحید و بسط آن، برپایی عدالت و قسط و مانند آن.

این همان چیزی است که باید همه ی عالم به سوی آن حرکت داده شوند؛ ولو جان اولیای الهی هم برای آن فدا شود؛ که شد. رفتارهای همه انسان‌های کامل باید در این جهت تبیین شود. گاهی ممکن است فریاد بزنند، گاهی جهاد کنند گاهی زندانی شوند، گاهی صلح کنند، گاهی مقام حکومتی و دولتی را قبول کنند و گاهی از نظرها غایب شوند.

بله حتی غیبت، رفتار معصومانه امامت تاریخی امت است و باید در این چارچوب دیده شود. همه معصومان روی‌هم‌رفته مثل مربی هستند که طول عمرشان به اندازه طول عمر کل بشر است. این مربی یا این پدر، گاهی به فرزند یا متربی محبت می‌کند، گاهی با او سخن می‌گوید و گاهی قهر می‌کند. رفتار متربی در سبک اقدام مربی مؤثر است. با این توضیح رفتار امام در غیبت با رفتار انسان‌های این طرف پرده غیبت ارتباط روشنی دارد. صلاح دید او ارتباط روشنی با رفتارهای ما دارد. اولیای الهی قبل از این دوران نیز در پرده غیبت رفته‌اند. غیبت حضرت یوسف علیه‌السلام یا گم‌گشتگی قوم موسی علیه‌السلام و آوارگی آنان از سرزمین مقدس و مدینه فاضله‌شان همه نشان می‌دهد

که این غیبت‌ها ارتباط روشنی با رفتار مردم دارد.

اینکه در برخی روایات آمده است که امام از ترس کشته شدن غایب شده، اشاره به همین نکته دارد؛ چون کشته شدن امام امری است که ارتباط با یاران امام دارد و اگر قرار بود او با معجزه از این قتل نجات یابد، پس اصلاً چرا غیبت کند؟ چه تغییری باید ایجاد شود که دیگر ترس از قتل امام نباشد؟

مفهوم اضطرار هم در چارچوب همین مفاهیم باید فهم شود. اضطرار به‌معنای این نیست که بنشینیم و به خود تلقین کنیم که ما نمی‌توانیم. اضطرار را باید بر بستر تغییر و حرکت فهم کرد. همه مفاهیم دینی را باید روی حرکت و مجاهدت فهمید نه بر بستر توقف و سکون. توقف مثل آن است که فردی بی‌سواد بگوید: من با بوعلی سینا که درنهایت گفت «هیچ نمی‌دانم»، فرقی ندارم. مفهوم تقوا و مراقبت را هم روی بستر سکون نباید تقریر کرد؛ و همین‌طور مفهوم اضطرار. اینها وقتی درک می‌شوند که در بستر مجاهدت تصویر شوند.

بر این اساس است که انتظار فرج، افضل اعمال است؛ آنکس که تمام تلاش خود را خرج کند، واقعاً نقص خود را مشاهده می‌کند؛ لذا اضطرار را فهم می‌نماید و انتظار را حس می‌کند. تعجیل در فرج که وظیفه جبهه حق است، محقق نمی‌شود؛ مگر با برنامه‌ریزی برای رسیدن به این رشد و مجاهدت در راه تحقق آن.

جبهه حق یعنی جریان تاریخی و اجتماعی مستحکم که امام درصدد تربیت و رشد کمّی و کیفی آن بوده است. این جبهه در این طرف پرده غیبت است و اراده امام که مثل خورشید پشت ابر است، ارتباط روشنی با اراده این جبهه دارد.

غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نشان‌دهنده این نیست که شیعیان او بدتر از یاران پیامبرند، بلکه گویای آن است که بلوغ و رشدی برای انسان‌ها رخ

داده است که برای رشدِ بیشتر به غیبت نیاز دارند؛ البته غیبت، مطلوب شیعه نیست. مثل اینکه مادر تا یک سنّی برای تربیت کودکش از ابزار قهر و آشتی استفاده نمی‌کند، چون نوزاد از این رفتار نمی‌تواند برای تربیت بهره ببرد؛ ولی بعد از این دوره با کودک خود قهر می‌کند چون او آنقدر بزرگ شده است که این رفتار روی او اثر تربیتی بگذارد.

رشد حقیقی انسان‌ها رشد عمودی و روحانی است، نه‌فقط تغییر افقی و رشد تمدنی و ابزاری. فلسفه ختم نبوت به همین رشد گره خورده است و فلسفه ختم ولایت نیز ارتباط روشنی با همین نکته دارد.

در نظام اندیشه توحیدی، یک لشکر- حتی با فرماندهی کامل‌ترین انسان در عالم- ممکن است شکست بخورد. معصوم بودن و کامل بودن فرمانده لشکر، لزوماً پیروزی را در پی نخواهد داشت. آیات سوره آل‌عمران درباره شکست مسلمانان در جنگ احد، همین پیام را دارد؛ لشکری که کامل‌ترین انسان روی زمین در طول تاریخ فرمانده او بود شکست خورد؛ به‌دلیل ﴿فشلتم﴾، ﴿تنازعتم﴾ و ﴿عصیتم﴾[1]. اینها اشکالات بدنه جبهه حق است و بسیاری از مشکلات و بلکه غیبت امام، ریشه در آن دارد. سستی جبهه حق، اختلاف، عدم وحدت و انسجام و ناهماهنگی با دستورهای امام اموری است که جبهه حق را با شکست روبه‌رو می‌کند.

---

۱. «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» ترجمه: و یقیناً خدا وعده اش را [در جنگ احد] برای شما تحقّق داد، آن گاه که دشمنان را به فرمان او تا مرز ریشه کن شدنشان می‌کشتید، تا زمانی که سست شدید و در کارِ [جنگ و غنیمت و حفظ سنگری که محل رخنه دشمن بود] به نزاع و ستیز برخاستید، و پس از آنکه [در شروع جنگ] آنچه را از پیروزی و غنیمت دوست داشتید، به شما نشان داد [از فرمان پیامبر در رابطه با حفظ سنگر] سر پیچی کردید، برخی از شما دنیا را می‌خواست و برخی از شما خواهان آخرت بود، سپس برای آنکه شما را امتحان کند از [پیروزی بر] آنان بازداشت و از شما درگذشت؛ و خدا بر مؤمنان دارای فضل است. (سوره مبارکه ال عمران، آیه ۱۵۲)

با این حساب اگر امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در پشت پرده غیبت است، در این طرف باید دنبال جریان و جبهه‌ای بالنده و در حال رشد باشیم که با دستورها و خواسته‌های ایشان نسبت روشنی دارد. این جبهه چه موجودی است و چه شاخصه‌هایی دارد؟

اول. جریانی تاریخی است. به سن کل دوران تاریخ بشریت.

دوم. جبهه است؛ یعنی مقابلش جبهه باطل قرار دارد و در حال مبارزه با او است.

سوم. اهدافش را دین تعیین می‌کند.

چهارم. مدیران و رهبرانش را دین مشخص می‌کند.

پنجم. قوانینش را دین مشخص می‌کند.

ششم. الگوهایش را دین مشخص می‌کند.

هفتم. اندیشه و گفتمانش را از دین می‌گیرد.

اینها شاخصه‌های جبهه حق است. با این شاخصه‌ها باید به صحنه عینیت خارجی برویم و جبهه حق را پیدا کنیم. اگر با این شاخص‌ها به جغرافیای انسانی دنیای معاصر نگاه کنیم تردید نمی‌کنیم که همه این شاخص‌ها بر حقیقت انقلاب اسلامی تطبیق می‌کند. امروز، جبهه حق، انقلاب اسلامی است؛ انقلابی که از حضرت آدم علیه‌السلام شروع شده است. انقلابی که وارث است؛ وارث تلاش تاریخی همه انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام.

از روز اول خلقت به خاطر این جریان خون‌های پاک بسیاری ریخته شده است. همه در این عالم موظف‌اند برای اینکه این جریان پیش برود به او کمک برسانند؛ این نکته‌ای است که همه زندگی ما را ویرایش می‌کند.

انقلاب اسلامی بخشی از هویت امروز ما است. آنکس که نسبت روشنی با انقلاب نداشته باشد، انسانی بی‌هویت است. چیستی حقیقت انقلاب اسلامی را باید با مفهوم «قیام» تبیین کرد.

قیام یعنی تحول درونی که به فضل «مقلب القلوب» در هویت انسانی رقم می‌خورد. وقتی امتی حرکتی را آغاز می‌کند و قدم‌به‌قدم به تغییر نفوس می‌پردازد ناگهان اراده عمومی‌اش عوض می‌شود. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾[1].

وقتی انسان‌هایی از جنس «سابقون» قیام می‌کنند و سپس صدا می‌زنند: ﴿مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ﴾[2] جریانی اجتماعی شکل می‌گیرد که نتیجه آن تغییر عموم مردم است. در این جا است که در پی اخلاص و مجاهدت این انسان‌ها به‌مرور تصمیم کل جامعه تغییر می‌کند و اراده‌اش عوض می‌شود.

قیام یک امت، واقعه‌ای سلوکی و تحولی روحی است که بروز و ظهور آن ویرایش کلان اجتماعی را در پی دارد. مهم‌ترین ویرایش نیز تغییر ساختار و سازوکار اِعمال اراده جامعه است؛ یعنی نظام‌سازی. تغییر وضعیت جامعه از حالت «استبداد» به حالت «مردم‌سالاری» نتیجه این قیام است. «مردم‌سالاری دینی» محصول شخصیت رشدیافته جبهه حق است. شخصیتی که هزاران سال در تربیت شیعی جلا یافته و هنگامی‌که

---

۱. «لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ إِنَّ اللهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ» ترجمه: برای انسان از پیش رو و پشت سر، مأمورانی است که همواره او را به فرمان خدا [از آسیب‌ها و گزندها] حفظ می‌کنند. یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را [به سوی بلا، نکبت، شکست و شقاوت] تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان آنچه را [از صفات خوب و رفتارشایسته و پسندیده] در وجودشان قرار دارد به زشتی‌ها و گناه تغییر دهند. و هنگامی‌که خدا نسبت به ملتی آسیب و گزند بخواهد [برای آن آسیب و گزند] هیچ راه بازگشتی نیست؛ زیرا برای آنان جز خدا هیچ یاوری نخواهد بود. (سوره مبارکه رعد، آیه ۱۱)

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ». ترجمه: ای اهل ایمان! یاران خدا باشید، همان گونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی اند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم. پس طایفه ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند؛ در نتیجه کسانی را که ایمان آوردند، بر ضد دشمنانشان یاری دادیم تا پیروز شدند. (سوره مبارکه صف، آیه ۱۴)

قیام می‌کند نتیجه‌اش یک نظامی ولایی می‌شود. نظام ولایی هم اراده مردم را می‌شناسد و محقق می‌کند و هم مرکزیتی الهی را برای هماهنگی حرکت عمومی مردم شکل می‌دهد.

قیام امت، معجزه است. تغییر ساختارهای جامعه و تبدیل صورت‌بندی آن به جامعه‌ای توحیدی، واقعه‌ای کلان و معجزه‌آسا است. قیام، بربستر برآیند همه دارایی‌های اخلاقی و رفتاری امت رخ می‌دهد و حقیقت جهان نمای هر امتی را بروز می‌دهد. این نکته‌ای است که حضرت امام در کتاب «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، «آداب الصلوه» و «سر الصلوه» خود تبیین می‌کند: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ﴾[1].

ولایت اما ستون فقرات شریعت است. بروز و ظهور ولایت در متن جامعه، حضور توده‌ها است برای احیای آرمان‌های الهی، تحقق امربه‌معروف و نهی از منکر و نیز تحقق حاکمیتی مرکزی که برپایه ولایت الهی اداره شود، یعنی نظامی حقوقی سامان می‌یابد که براساس توحید و کرامت مردم -یعنی چیزی که برای آن قیام کرده اند- صورت‌بندی می‌شود.

آنچه رهبران جامعه دینی می‌خواهند، شکل‌گیری حکومت اسلامی و ولایی بربستری از قیام است. در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله شریعت بدون قیام و تحول درونی، شریعتی بی‌روح و مطعون است؛ چنان‌که اخلاق بدون قیام لله و تحول عمیق انسانی یک اخلاق خشک و بی‌روح است. حکومت نیز بدون حضور در بستر قیام، مطلوب نیست و حکومتی ظاهری و بی‌خاصیت است؛ ازاین‌رو هدف امیرالمؤمنین علیه‌السلام

---

۱. «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ» ترجمه: بگو: من شما را فقط به یک حقیقت اندرز می‌دهم [و آن] اینکه دو دو و یک یک برای خدا قیام کنید، سپس درباره رفیقتان [محمّد که عمری با پاکی، امانت، صدق و درستی در میان شما زندگی کرده است] بیندیشید که هیچ گونه جنونی ندارد، او برای شما از عذاب سختی که پیش روست، جز بیم دهنده ای نیست. (سوره مبارکه سبأ، آیه ۴۶)

اولاً قیام مردم و اصلاح آنان بود، سپس حکومت بر آنان. هدف امام حسین علیه‌السلام نیز اصلاح امت بود. تغییر حکومت بدون قیام مردم چه فایده‌ای دارد؟ به همین دلیل امام صادق علیه‌السلام حاضر نشدند به خروج پیروز ابومسلم بپیوندند و فرمودند «و لا الزمان زمانی»[1] یعنی زمانه، زمانه ی من نیست. او حاکمیت بدون وقوع تحول روحی در مردم را نمی خواست. همچنان که ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز بر بستر قیام مردم عالم محقق می‌شود، نه صرفاً با زور و قدرت‌های ماورایی.

انقلاب اسلامی در حال حرکت و رو به رشد است و همه حرکت خود را مدیون اصل انقلاب است، انقلابی درونی با آثار بیرونی گسترده و اساسی که امروز تبدیل به ساختار نظام ولایی شده است. مردم ما امروز هم آن قیام را و هم این نظام را در وجود خود حفظ و تثبیت کرده‌اند، آنچه برای این موقف نیاز داریم بروز و ظهور مقاومت است؛ یعنی همین انقلاب که حفظ شده، باید بروز پیدا کند. بروز آن به «اراده عمومی» نیاز دارد. اراده عمومی که در آن جریان گفتمان مقاومت توسط مردم انتخاب شود. این انتخاب به مقدمات زیادی نیاز دارد، اما قطعاً یکی از این مقدمات، رشد دانایی مردم نسبت به داشته‌ها و نقص‌های خودشان می‌باشد. منشأ قدرت لایزال الهی در وجود خود مردم نهفته است، نه در دستان بیگانه. اگر این دانایی عمومی در قالب گفتمان‌های کلان غالب در جامعه نقل شود و به یک اَبَر روایت تبدیل شود، قدرت تغییر اراده عمومی مردم را خواهد داشت. درواقع مقدمه بازگشت به هویت ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ﴾[2] که در دوران تحریم و بلایا مثل نان شب واجب است، فهم و دانشی است که

---

۱. سیره پیشوایان با مقدمه استاد جعفر سبحانی مهدی پیشوایی ص۳۸۴ به نقل از شهرستانی . الملل و النحل . تحقیق : محمد سید گیلانی . بیروت . دارالمعرفه . ۱۴۰۲ ه ق . ج۱ ص۱۵۴.

۲. «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ترجمه: همان کسانی که چون بلا و آسیبی به آنان رسد گویند: ما مملوک خداییم و یقیناً به سوی او بازمی گردیم. (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۵۶)

بتواند به عقاید، ایمان و باورهای مردم گره بخورد.

امروز نخبگان انقلابی درگیر «جنگ روایت‌ها» هستند. روایتی که محصول کار رسانه‌ای دشمن است و هدف آن پشتیبانی از جنگ اقتصادی برای تغییر اراده مردم و سبک تصمیم‌گیری مسئولین و نخبگان است. کارکرد روایتِ دشمن ایجاد فضای بی‌اعتمادی و ناامیدی عمومی است که در برابر آن به خیزش روایتگری صحنه، از طرف نخبگان انقلابی نیاز داریم؛ روایت حماسه‌های خوبان و جلوداران امت برای بدنه مردم؛ روایت شهیدان؛ روایت مؤمنان مجاهد گمنامی که در جامعه زندگی می‌کنند و حماسه می‌آفرینند؛ روایت داشته‌های حقیقی این مردم که از آنِ خود آنان است و خود به‌دست آورده‌اند و حفظ کرده‌اند؛ همچنین روایت درست از کاستی‌های و مشکلات کشور براساس مکتب اسلام ناب، تا نداشته‌ها را نیز امیدوارانه درک کنند.

روایتگری و کار رسانه‌ای باید بخشی از زندگی هر نخبه انقلابی باشد؛ اما مقدمه این خیزش روایتگری آن است که نخبگان انقلابی، خود، صحنه را درست ببینند؛ ازاین‌رو تبیین دستاوردهای انقلاب به زبان نخبگان و با محور اندیشه‌های حضرت امام رحمه‌الله ضرورتی فوری و امروزی است. تبیین مکتب ذوالعینین اسلام ناب که توصیه به دنیا و معنویت را به‌نحو متماسک در خود دارد، به‌گونه‌ای که داشته‌ها و مسیر پیش رو را نشان دهد، برای جامعه حزب‌اللهی ضروری است و جلوی خستگی، سستی، ریزش، انحراف و گاهی آب به آسیاب دشمن ریختن را می‌گیرد.

اگر با زاویه نگاه جامع مکتب حضرت امام وضعیت امروز را تحلیل کنیم، خواهیم یافت که دارایی‌های اصلی امروز انقلاب ذیل دو سرفصل قابل بررسی هستند؛ یکی «حفظ و تثبیت انقلاب و نظام» و دیگری «پیشرفت و تعالی جبهه حق».

چالش اصلی امروز ایران اما بیماری غرب‌گرایی است که باعث شده در ساحت دانش، تصفیه علوم انسانی رخ نداده باشد، در ساحت فرهنگ عمومی شیفتگی و رعب نسبت به غرب جدی باشد، در فضای مذهبی نیز نوعی سکولاریسم پنهان شکل گرفته باشد. همان‌طور که انسان توبه‌کرده باید با عادت‌های خود به گناه مبارزه کند، ملت قیام‌کرده ی ایران نیز باید این بیماری‌ها را ذره ذره از وجود خود دفع کند تا بتواند سبک‌بار حرکت کند.

تحلیل حقیقت انقلاب اسلامی و اینکه امروز در چه موقفی است و در نسبت با آن، چه وظیفه‌ای داریم به نظام اندیشه نیاز دارد. امروز برای تحلیل دارایی‌های انقلاب اعداد و ارقام، زیاد بیان می‌شود، اما مهم این است که بتوانیم معنای این اعداد را دریابیم؛ یعنی متوجه شویم این اعداد و ارقام و پیشرفت‌ها به چه حقیقتی در جان امت انقلابی اشاره می‌کند. بسیاری از افراد، بررسی عملکرد چهل‌ساله انقلاب را معادل بررسی کارآمدی حاکمان گرفته‌اند. این تحلیل، ناشی از یک منظر و نظام اندیشه خاص است. کسانی که هویت انقلاب را به حکومت‌ها تقلیل می‌دهند، قطعاً به‌راحتی نمی‌توانند تحلیل کنند که چرا حضرت امام رحمه‌الله در مبارزه با رژیم پهلوی از روش کودتا یا مبارزه‌های مسلحانه استفاده نکرد. نمی‌توانند تحلیل کنند که علت همراهی با شورای انقلاب در انتخاب بازرگان و همراهی با مردم در انتخاب بنی‌صدر چه بود؟ و نمی‌توانند تحلیل کنند که علت نوشیدن جام زهر چه بود؟ بر این خیال‌اند که عده‌ای امام را فریب دادند و موفق شدند او را بازی دهند؛ حال‌آنکه حقیقت آن است که آنچه برای رهبر الهی مهم است آن است که مردم مسیر را بپیمایند. او حاکمیت را با همه قداست و اهمیتش بروز و ظهور واقعه‌ای معنوی و تحولی درونی در امت می‌داند. این توده مردم است که اصل است و همه امور دیگر برآمده از آن است.

درست دیدن صحنه یعنی «الهی ارنی الاشیاء کما هی»[1] به ما مدد می‌رساند که بتوانیم حتی از وسوسه‌ها و مکر و تهدید شیطان هم استفاده کنیم و به مرتبه‌ای برتر در وجود خود دست پیدا کنیم: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾[2].

همه تلاش ما این است که بتوانیم زوایای ورود درست به مقوله محاسبه موقف انقلاب و تکلیف ما نسبت به آن و همین‌طور کشف و تحلیل میزان دارایی‌های امت و چالش‌های پیش روی آنان را به‌دست آوریم.

«به نظر من مهم‌ترین چالش کشور ما یک چالش ذهنی است؛ یعنی همین‌که افکار عمومی نمی‌دانند چقدر ثروت در اختیار کشور هست. بعضی از مسؤولین ما هم متأسفانه نمی‌دانند چقدر ثروت -اعم از ثروت انسانی و ثروت طبیعی- در اختیار کشور است. دشمن هم از همین دارد استفاده می‌کند. می‌خواهد بگوید شما نمی‌توانید یا ندارید بنده اصرار دارم به مردم بگویم که ما می‌توانیم و دارا هستیم.»[3]

آنچه باعث شده حرکت ملت ایران در تحقق مرحله دولت اسلامی با مشکل مواجه شود، همین چالش ذهنی است؛ آنچه باعث می‌شود در سبک محاسبات مدیران ما اعتماد به درون کم‌رنگ شود و دارایی‌ها

---

۱. «اللهم ارنی الاشیا کما هی» خدایا! اشیاء را آن‌چنانکه هستند به من نشان بده. (حدیث منسوب به رسول خدا. مصباح الأنس، ص ۲۲۰؛ عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۳۲، ح ۲۲۸؛ در بیانات امام ازجمله در صحیفه امام، ج۱۹، ص ۲۲۵) (به نقل از حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، امام خمینی ﷺ در انتهای دروس اخلاق شان با این حدیث دعا می کردند.)

۲. ترجمه: مسلماً کسانی که [نسبت به گناهان، معاصی و آلودگی‌های ظاهری وباطنی] تقوا ورزیده‌اند، هرگاه وسوسه‌هایی از سوی شیطان به آنان رسد [خدا و قیامت را] یاد کنند، پس بی درنگ بینا شوند [و از دام وسوسه هایش نجات یابند.] (سوره مبارکه اعراف، آیه ۲۰۱)

۳. مقام معظم رهبری، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱ http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39272.

و ظرفیت‌های داخلی به عنوان مهم‌ترین راهکار حل مسائل کشور دیده نشود، نیز همین چالش ذهنی است.

مهم‌ترین راه‌کار حل و فصل این چالش ذهنی، تجهیز نگاه‌ها به مکتب سیاسی-اجتماعی حضرت امام است. این کار دستگاه محاسبات مدیران و مردم را تغییر می‌دهد و قدرت فائق آمدن بر این چالش ذهنی را ایجاد می‌کند.

تبدیل مکتب امام یعنی اسلام ناب، به گفتمانی فراگیر، می‌تواند دستگاه محاسبات مدیران و مردم و نخبگان اجتماعی را تغییر دهد. این همان چیزی است که تاکنون ملت ایران را پیش برده است.

منظومه بحث

مسأله اصلی این کتاب این است که انقلاب اسلامی امروز در چه جایگاه و مختصاتی است؟ چه دارد و چه ندارد؟ به کدام سوی حرکت می‌کند و چه باید بکند؟

رودخانه ای در حال حرکت را در نظر بگیرید. فرض کنیم ما مثل برگی شناور در این آب روان در حال حرکتیم؛ این برگ شناور در یک موقف از رودخانه چه سؤالاتی می‌تواند درباره آن رودخانه داشته باشد؟

او باید کلیت این حرکت و مسیر را بشناسد تا بفهمد الان چه مسیری را آمده، در کجا قرار دارد و مسیر رودخانه به کدام سوی در حرکت است.

البته این تفاوت وجود دارد که آن برگ در حرکت رودخانه هیچ تأثیری ندارد، حال‌آنکه ما در حرکت این جریان دخیلیم. درواقع تک‌تک انسان‌ها در حرکت تاریخ و جریان جبهه حق می‌توانند دخیل باشند و تأثیرگذار. برای همین است که این دانستن به کارشان می آید.

با توجه به این پرسش باید فهمید که برای توصیف وضعیتی که در آن

قرار داریم باید چه برش‌هایی به صحنه زده و از چه زوایایی واقعیت و جریان حرکت انقلاب را تحلیل کنیم. حتی اینکه اساساً به چه دلیل متوجه موضوعی به نام انقلاب اسلامی شده ایم؟ و سؤالاتی از این قبیل. این جا است که شبکه‌ای از رویکردهای اساسی و مادر را که چشم انسان موحد باید مسلح به آنها باشد معرفی می‌کنیم. (فصل اول)

با به دست آوردن طرح و چارچوبی برای تنظیم نظام توجهات و کشف و تحلیل توحیدی عالم، کلان‌ترین تحلیل از جایگاهی که در آن قرار داریم ارائه می‌شود؛ یعنی نگرش کلان تاریخی. تبیین خواهیم کرد که در زمانه‌ای هستیم که رویکرد توحیدی به عالم در حال بروز و ظهور است؛ لذا در دوران قیام و حاکمیت دین قرار داریم. (فصل دوم)

با این حساب کشف واقعه توحیدی که در حال رقم خوردن در جریان تاریخ بشریت است ضرورت تحلیل توحیدی جریان جبهه حق را جدی‌تر می‌کند. تحلیلی که برای فهم مسئولیت ما نسبت به این حرکت مقدس ضروری است.

در فصل اول که ساختار رویکردهای توحیدی را معرفی می‌کند، دو محور مختصات عمودی و افقی را که با اصطلاح حقیقت ولایت و حقیقت نبوت در نظام اندیشه امام خمینی رحمه‌الله به آنها اشاره می‌شود، شناسایی می نماییم. اکنون نیز تلاش می‌کنیم این طرح را دقیق‌تر کنیم.

محور عمودی، حرکت و سلوک باطنی را تبیین می‌کند و نتیجه این حرکت را که تسلط و حاکمیت است به‌عنوان اصلی‌ترین ثمره این حرکت معرفی می‌نماید. این محور است که می‌تواند حقیقت انقلاب اسلامی را نشان دهد و تبیین کند که تفاوت اصل انقلاب، با تثبیت انقلاب، و انقلاب بعد انقلاب چیست. (فصل سوم)

محور افقی، حرکت و سلوک در ظواهر را تبیین می‌نماید. اگر بنا باشد

ظاهر عالم را آن‌گونه که پیامبران تلاش کرده اند، بخواهیم براساس شریعت ویرایش کنیم، چه مراحلی طی باید طی شوند؟ اینجا است که هویت نظام اسلامی به‌عنوان شاکله و چارچوبی کلی برای ویرایش ظاهر عالم معرفی می‌شود. درواقع در این سطح، صورت بندی یک جامعه توحیدی معرفی می‌گردد. صورت بندی‌ای که در آن، هم ولایت امام جامعه و هم ولایت امت و مردم به رسمیت شناخته می‌شود. (فصل چهارم)

نحوه توسعه امامت بربستر جامعه توحیدی از رأس تا کل جامعه نیز تشریح می‌شود؛ امامت امام، امامت نخبگان، و امامتِ امت. (فصل پنجم)

پس از این مراحل شبکه تحلیل توحیدی ما برای بررسی وضعیت امروز انقلاب اسلامی کامل شده است. حال می‌توانیم تبیین کنیم که چه داریم و چه نداریم؟ آنچه داریم چه اندازه ارزش دارد؟ و برای ادامه مسیر چه فایده‌ای دارد؟ (فصل ششم)

ما دوران تثبیت انقلاب اسلامی را پشت سر گذاشته‌ایم. حال در دوران مهیا شدن برای یک انقلاب دیگر هستیم؛ انقلابی که این بار نه با شکستن ساختارهای حاکمیتی بلکه در بستر آن تحقق میابد؛ آن هم توسط نسلی پرورش‌یافته در جامعه‌ای انقلابی. همه داشته‌های انقلاب مابه ازایی در جان امت دارند.

ارزش داشته‌های انقلاب را باید با چشم مسلح به نظام اندیشه اسلام ناب مشاهده کرد. اندیشه‌ای که طرحی سازگار از دنیا و آخرت ارائه می‌کند.

ما نمی‌خواهیم بگوییم در دوران تثبیت انقلاب پسرفت نداشته‌ایم؛ حتی نمی‌خواهیم صرفاً مدعی باشیم که پیشرفت داشته‌ایم؛ خیر.

این کتاب بنا است این ادعا را ثابت کند که:

اولاً ایران بعد از انقلاب با ایران قبل از انقلاب هم در رشد معنویت و ایمان دینی و هم در رشد دنیایی قابل مقایسه نیست.

ثانیاً ایران در دوران گام دوم انقلاب با ایران دهه پنجاه و شصت، به‌لحاظ رشد در دنیا و آخرت قابل مقایسه نیست.

ثالثاً آنچه امروز داریم، دستاوردی امید افزاست؛ نه صرفاً به لحاظ اینکه رشد ما در این مدت فوق العاده بوده است، بلکه به این لحاظ که اساساً دارایی های به‌دست آورده‌ایم که خود آن دارایی ها نوید یک آینده توفنده را می‌دهد.

امروز امت باید این مقاومت تثبیت‌شده در جانش را به بروز بکشاند و انقلابی دیگر را رقم بزند. این انقلاب باید با روی کار آمدن نسل جوان که در بستر این رشد چهل‌ساله پرورش یافته‌است، انقلابی است و همه وجودش عزم برای ادامه حرکت است متبلور گردد. برای این‌که چنین اتفاقی واقع شود چه باید کرد؟ این پرسشی است که درنهایت با توجه به چارچوب نگرشی که در کتاب تبیین شده است می‌تواند نظام توصیه‌هایی را به‌دست آورد که برداشتن این گام را طراحی می‌کند. (فصل هفتم)